

نویسد

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۳ - مهرماه ۱۳۵۵

پیام حزب توده ایران

در هیئت مرکزی، حزب توده ایران از همه مخالفان رژیم ترو و اغتشاش، کثرتی دعوت می کند برای براندختن استبداد مطلق شاه لویس که همه عدویکاتوری مکاری نمایند

سرشالیه

از دامهای ساواک بر حذر باشید!

آدمکزیساواک بر تمام نوامیس مردم ایران باید لرزاند. روز به روز بیشتر تقصیر و انزجار مردم پایه خود جلب می کند. در سراسر جهان داغ تنگ محکومیت قاضی ترو بر پیشانی انزوده شده و در ایران حتی گروه ای از نواداران روزگاران از او فروری تابند.

رژیم این واقعیت ارامی بیند و اساس می کند که همان طور که در سراسر جهان نیروها روز به روز نیروهای خود را در صلح آزادی موسومالیم و پیشرفت اجتماعی و در کشور ای جهان سوم به سود جنبه برای پیشرفت ملی زبان نیروهای ارتجاعی معضی امپریالیست ها و کارگزاران و خدمتگاران فلکین می شود و در ایران هم روزگانه مخالفان رژیم کثرتی سنگین تر می گردند و خطر برای پایه های رژیم زیاد تر می شود. برای پیشگیری از همین خطر است که بنام آن غارتگر پهلوی و پیشگاران و نوکران و نواداران در روز به روز شدت جنایات خود می افزایند و گروه گروه مردم آزاد که جان خود را فدای این رژیم نیکند و زحماتشان را که تنها برای به دست آوردن نان خالی برای خود و خانواده شان صرف می کنند به زندان ها روانه می کنند و به روشهای ترسناک بقید رصفه ۲

اوضاع سیاسی ایران روز بروز گرم تر می شود. هلی رت رژیم ترو و کجاست که به اثر تشدید تناقضات داخلی جامعه و به ویژه از همه تشدید رفتار ترو، مؤید سیاسی امپریالیستی و کارگزاران و خدمتگاران ایرانی شان مکه گران ای وقت، نرسا و صحن آن است زحمتگاران ایران به ستوه آمده و مبارزاتی را برای به دست آوردن شرایط بهتر زندگی آغاز کرده اند. جوانان و در درجه اول

جوانان روشنگر و دانشمندان و دانش آموزان که آینده آزاد و فصلی را برای همین شروع خواستار می شود بیشتر به میدان مبارزه علیه رژیم سیاه استبداد می قدم می گذارند و به اشکال و نواها این تلخخون می خود را ابراز می دارند.

ناتوانی های رژیم ترو را با به تشویر آید پیرجامه سرایت کرده است. حتی بسیاری از کسانی که می توانند در ترو ایداد و یاد آورند کافی زندگی مرثوی داشته باشند همه انبوهان خود را می بینند و در راه مبارزه علیه رژیم ترو می درند. رژیم استبداد و مطلقه شاه که تنها راه منسلک کردن دستگاه

جهنمان گران شاه است. آن هستیم که نتایج شرق اقتصادی و سیاسی و فرهنگی رژیم استبداد را در درگاه شاه روز در نگاه تیر می شود. زنجیرهای اسارتی که این استبداد مطلق به دست و پهای مردم انداخته روز سنگین تر و سنگین آلود تر می گردد. با کشف شدن زمان به این از به این دوره واقعی همین رژیم غارتگر و جنایت پیشه بسراپ کشور ای کشور ترو از مردم ایران آشکار می شود. با محکومیت های بی بی سیاست ضد طبقه رژیم استبداد شاه که هسته اساسی و جهت خط مای وابسته کردن پیش از پیشرفت اقتصاد ایران به اقتصاد کشور امپریالیستی است. با ائتلاف نیروهای طبقه کار و ویژه در اتحاد کلان نفت در راه خرید طیاره و ادوات اسلحه از سوئد آلمان امپریالیستی و لندن و ام های کلان به اندامسارا امپریالیستی و ساختن پایگاه های بقید رصفه ۳

در این شماره:

- ۱- از دام ای که ساواک می کشند بر - درویشند.
- ۱- پیام حزب توده ایران
- ۲- کارزار ضد کار ترو، رژیم
- ۳- سیاست کشاورزی رژیم شاه ضد طبقه و ضد رفقانی است
- ۴- تحسین ملی و بین ماگولیتی
- ۵- آن جاودان (شعر)
- ۶- خبیر

از ادبایی که ساواک

وجه شکست می دهند . جوانان وطن پرست و مخالف رژیم را در هر گوشه شهر و ده به سلسل می بندند .

رژیم ماموران ساواکی خود را که از زدن ترین عناصر غیر انسانی برگزیده است ، تا آن جا بویجان مردم مسلط ساخته که راننده فلا ن مامور ساواک در کوچه و خیابان بی پروا وارد می کشانی را جلوی چشم مردم به خون می کشد تنها به جرم این که از حیثیت شخصی خود دفاع کرد و اتهام ناروای دزدی را که خانم رئیس بر او وارد کرده ، رد کرده است .

درست است که با به آراوند امتحان این شیوه های جبهنی رژیم توانسته و دریافتیم هم خوانند توانست در این جا و آن جا تریات جداگانه سبندینی به این و یا آن بخش از جنبش انقلابی جبهن ما وارد سازد و تلفات کم و بیش سنگین بسو جنبش وارد آورد ولی خود توسل به این شیوه عاو تشدید روز افزون آن نشانه ضعف رژیم است نه نیرومندی آن . رژیم می بیند که طلی رخم توسل به این شیوه با عجبیه مبارز می کند رژیم هر روز بیشتر نیرو می گیرد . کارگران با وجودی که بسیاری از اعتصاباتشان مانند اعتصاب در عشان کارخانه نساجی شاهی مکارانه بپیت سازی تهران و غیره به حسن کشیده شده و می شوند و بهترین مبارزان را ساواکی ها می کشند و زندانی می کنند ، ععد الك دست از مبارزه بر نمی دارند . تنها در دو ماه اخیر نزدیک به سه صد واحد بزرگ کارگری اعتصاب کرده و در عوادی هم رژیم و کارگزاران را مجبور به عقب نشینی کرد ماند .

رژیم می بیند که علی رخم تبلیغات موز پانه ضد کمونیستی و ضد حزب توده ایران که دستگاه های رژیم و مملکتان تفرقه انداز مائوئیست شان شب روز انجام می دهند جنبش توده های ایران که راه راستین مبارزه انقلابی را به خلق ما ایران نشان می دهند پیوسته رشد می کند و هر روز بیشتر توجه مبارزان راه آزادی و استقلال ، توجه زحمتکشان شهروده را به خود جلب می کند .

رژیم می بیند که علی رخم هم گوشش نایش برای جدا ساختن و به جان هم انداختن گردان های گوناگون مبارز مردم روشن بینی در میان آن بخش از نیروهای انقلابی که در برگزیدن شیوه ای مبارزه به تناسب شرایط روز دچار گمراهی شده اند ، هر روز بیشتر نیرو می آید و همین روشن بینی شرایط عینی را برای نزدیکی و همکاری و سمت گیری درست گردان های مبارزه و وودی آورد . در نتیجه همین علت که رژیم این واقعیات انکارناپذیر را می بیند و تلاش برای پیشگیری از پیشرفت این روند روز افزونیش می باید .

درست است موازات رشد نفوذ سیاسی و سازمانی حزب توده ایران در سال های اخیر به عیب دیده می شود که فدا لیت رژیم برای متفرنگند داشتن حزب توده ایران ، به

موازات تلاش همه عناصر ضد کمونیست و ضد توده های در گوشه و کنار ، برای وارد کردن اتهامات سیاسی و سازمانی به حزب ما باشد تیی سابقهای گسترش یافته است . هرگز در تاریخ حزب ما تا این اندازه گروک ضد توده ای و نشریات ضد توده ای که پشتوانه انسانی برخی از آن ها از یک نفر تجاوز نمی کند ، وجود نداشته است . همه این گروک ها و نشریاتشان با دستگاه های تبلیغاتی رژیم در یک چیز هم نظر اند و آن این است که : حزب توده ایران همه طوع قاطع شکست خورده و نفوذی در میان خلق ندارد و نمی تواند داشته باشد !

در برابر این ارگستر بد صدا ، این پرسش پیش می آید که اگر به راستی چنین است پس چرا تا این اندازه به خود رنج می دهید و وقت می گذارید بطل خروج می کنید ، دروغ و نامرزا می گوئید و اتهام می زنید . پس ، همه این ها برای چیست ؟ سال ها است که ما این پرسش را می کنیم و گروک های طعی طرفداری از جنبش خلق بد حکمران پاسخ آن هستند . ولی ما به جای آن ها این پاسخ را می دهیم :

همه این ها برای آن است که گردانندگان این گروک ها از جنبش واقعی خلق ، از جنبش راستین انقلابی کارگران و زحمتکشان بیشتر ترس دارند تا از رجوع و ساواک . و خوب می بیند که این جنبش راستین زیر پرچم حزب توده ایران ، حزب واقعی طبقه کارگر ایران در حال گسترش و همان امر که در سراسر جهان جنبش راستین رهایی بخش خلق ها زیر پرچم پیروزنده سوسیالیسم علمی در روز پیروزی های تازه ای به دست می آورد و ماسکها و تزویر را از چهره زشت تفرقه اندازان پاره می کند و نقای افکنان راضفردی سازد در این شرایط سازمان جبهنی امنیت به آنچه گفته شد اکتفا نکرده و همه سلاح های را که در زندانخانه خود دارد به راه می اندازد . از آن جمله است سازمان سازی و گاشتن تخم عدم اعتماد و فرستادن پرووکاتورها به درون گردان های جلوزده استفاده از عناصر ضعیف و خود فرسو ش که آماده به خیانت می شوند و غیره و غیره .

از خبرهایی که از همه سو به ما رسیده است بر می آید که ساواک همه این شیوه ها را به کاری بندد و در نتیجه این شیوه ها در درجه اول جلوگیری از پیشرفت نفوذ سیاسی و سازمانی حزب توده ایران است . به ما خبر رسیده است که عناصر خود فرختهای که در خدمت ساواک هستند در ایران در صد و بر صد ماندگروه هایی به نام حزب توده ایران به وجود آورند و مبارزان راستین را به دامیانند از بد بسیار شد ما نهم که مبارزان آگاه توده های دست چپین کار این گونه عناصر را خوانده ماند .

ساواک به تکیه از ده نمونه اقدامات جبهنی و نازی های آلمان در تهران پیش از جنگ دوم جهانی می گوید

از دام نایی که ساراک

بامهره بوداری از سوابق زنی در باره عملیات شناختانه شهرسازی در سازمان دادن حزب توده ایران و تخم- شاک و تولید در درمیان مبارزان بیانشانده و این امر واقع کننده گویا درگاه سازمان انقلابی در ایران به وجود آید و گستره پیاده ساراک در آن دست خراش داشت. از یک سو در سازمان مبارز و می گزید افراد انقلابی را بلیب کند و از سوی دیگر به افراد انقلابی می نویسد به سازمان حزب توده ایران نپیوندند زیرا ساراک در آن دست دارد. ایمن پرستی صداتی به روشی آید که آنرا این سازمان در دست ساراک است زیرا این بهر آن بیان بخش می کند که در اختیار همه قرار آید.

واما درباره سازمان حزب توده ایران در ایران و مابعد یک بار دیگر با تمام روشنی به آگاهی همه مبارزان انقلابی در ایران و خارج از ایران بوسانیم:

حزب توده ایران با زندگی از مبارزات گذشته برای کار سازمانی و در ایران همیشه غیر متحرک را بهرگزیده است. معنی آن این است که حزب توده ایران شبکه واحد و متحرک را ندارد. نه تنها در سراسر ایران شبکه واحد و متحرکی وجود ندارد بلکه در یک شهر و در یک واحد تولیدی و اجتماعی مانند کارخانه و دانشگاه و غیره هم یک شبکه واحد وجود ندارد. گروه های نئی که در ایران و در نقاط گوناگون و گاه در رابطه های ندارند و اقدام جداگانه از راهی گافلا مستقل و مخصوص و گروه با مرکز همبدر از تباط اند. همان طور که ما همواره را نفعی گردانیم به برداشتن افراد انقلابی در یک گروه حزبی تنها و تنها بر پایه شناسایی کامل خود آن مابا یکدیگر و اعتماد در در بین خود آن ها است منبر اساس وجود ارتباط با مرکز حزب. گرفتن پیام از مرکز حزب و داشتن رابطه و گرفتن نشریات. هیچ گونه فحاشی برای مبارز سیاسی افراد در ایران نیست. اعتماد به صلاحیت سیاسی افراد دیگر تنها بر پایه تجربه انقلابی خود و آشنایی همه جانبه به خصوص اخلاقی و علمی زندگی دوستان و همزمان و همچنین روشنی آنان در مسائل سیاسی و دیگری و باید از آن در مبارزه به دست می آید.

حزب با نداشتن ریز از مبارزات گذشته که در مواردی بسیار در ناک بودانده همم است که با دیگری و بدون آنرا از این شیوه کار سازمانی که نشین برود آن را شرح ریزی کرد ضروری نماید. این شیوه در ایران از اشتغال شدید سیاسی از طرفی گردان ای پیش از حزب کمونیستی جهان با کالیاسی آزما برین شده است. با این شیوه سازمانی ممکن است ساراک بتواند در این گوشه و آن گوشه و به این گروه و آن گروه شک اندازد و از آن راهی برزند و ولی نخواهد توانست به مجموعه گروه های انقلابی دست یابد.

این است یاد آوری حزب ما به مواد اران حزب:

از نیرنگ های ساراک بوجدن باشد از دام هایسی که ساراک می گسترده بر نیز نشاند و پروکاسین های جورا جو ساراک و دست های رنگارنگش را شناسید و با پیگیری تلاش انقلابی خود را دنبال کنید. این است راه نفعی حزب ما به دیگر مبارزان راستین راه آزادی:

چشم های خود را باز کنید و در دام های گوناگون ساراک نیافتید و به پیروی از تفرقه اندازان پایان دهید؛ در راه نزدیکی و هماهنگی همه گردان های قدرتمند استبداد محمد رضا شاه و در راه تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری و برای پایان دادن و برانداختن این رژیم سیاه با حزب توده ایران همکاری نکنید.

نقل از شماره ۱۶۱ ریز نام مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

پیام حزب توده

پایانه های عظیم نفعی برای تجاوز و تحصیل بودجه کمر شکن ارتش و غارتی بند و بار باقی مانده آن به دست گردانندگان رژیم برای زندگی مادی اکثریت مطلق مردم در می در سال گذشته دشوارتر شده و احساس ناخشنودی و آشوبگری از مردم کشور را فرا گرفته است.

عاش دیگری که به گسترش باز هم بیشتر ناخشنودی مردم از رژیم میدان می دهد تملوت نفعی است که پانصد روز افزون در میدان بینار سیاست جهان امروز در جریان است. مردم کشور ما با وجود رژیم استبدادی هلی رژیم اختلاف و با وجود تبلیغات لطیف به میزان زیادی با این واقعیت آشنا می شوند که در جهان امروز تناسب نیروها به سود سوسیالیسم و صلح و جنبش های جهانی بخاطر طبی و به زبان امپریالیسم و رژیم های فاسد فاشیستی و شبیه فاشیستی مانند رژیم ایران بیش از پیش در حال تغییر است. آن ها مانند آن هستند که یکی پس از دیگری رژیم های تبه کار استبدادی سرنگون می گردند. مردم می بینند که در درون کشوری جا برای رژیم عمای استبدادی نظیر رژیم ایران تنگ تر می گردد. امپریالیست های خود اران هم دیگر دارای آفتوز و قدرت گذشته نیستند که بتوانند برای همیشه «نیم رژیم» ای را بوسر کارنگه دارند.

این واقعات بر ناخشنودی مردم کشور ما از بقای رژیم استبدادی غارتگر آن با رژیم می افزاید و به آن راهی کوشش به خاطر برانداختن آن نیرو و امید می بخشند. ایمن ناخشنودی از سویی و امید از سوی دیگر قشر های گسترده ای از مردم راه جنبش در آورده و به میدان مبارزات هر دانه اقتصادی و سیاسی کشاند است. انتصابات مکرر کارگری در واحد های صنعتی و در مواردی حتی انتصابات

پيام حزب توده . . .

كارمندان دولت و همكاران نمايندگان اي پرودانه همواره
د انجمنها و دانشگاه هاي ايران بپائيز اين ناخشنودی
است . اين ناخشنودی حتی در مفعات روزنامه هاي ساوا
زده رسمی کشور و در مجله فرديني با زتاب مخصوص یافته
است . واقعيته اين است که استور ناخشنودی به مراتب
بپناهور تر و ژرف تر از نمايندگان ارجی آن است .

به موازات استور اين ناخشنودی ، تور و اختناق -
ساواکی همی افزاين یافته و می یابد . ساواک و اين باسپان
خون آشام و جنایت . بنده استبداد محطد شاه و هر روز
درنده تر می بیرومی اثر در ره زنجير کشيدن و شکنجه دادن
و کشتار مخالفان رژیم بیشتر می شود . سپاه اعدام هاي رسمی
سیاسی و کشتارهای آشکار و پنهان مخالفان رژیم در زندان
ها و خوابان ها و صفی نگاه ، ای ساواک هر روز طولانی تر
می گردد . اگر تا چندی بیشتر فشار استبداد شاه متوجه
مبارزان انقلابی تودهای و غیر توده ای ، مارکسیست و غیر
مارکسیست بود ، در زماني است که دیگر اين فشار همه گير
شده و تنها وابستگان و تايد کنندگان و کارگزاران رژیم از
آن در امانند . مدت است که ديگر نه تنها انقلاب همين ،
کارگران ، دهقانان زحمتکش ، روشنفکران و جوانان مبارز
در رژیم ، بلکه حتی آن سرمایه دارانی که در برابر غارتگری
می بند و بار کارگزاران ساواکی رژیم کوچک ترين مقاومتی نمايند ،
سنگینی زنجير های اسارت ساواکی را بر دست و پای خود و حتی
چنگال های زنجير آلود ديلا دان ساواکی و پليس راهبرگويی بر
احساس می کنند . هر روز قشر ای تازه تری از مردم نه تنها
از زحمتکشان شهروند و قشر ایی از ابيقات متوسطه حتی
از وابستگان به ابيقات بالایی جامعه اين واقعيته را
می پذيرند که هدف اصلی رژیم استبداد سپاه محطد شاه
ادامه غارتگری می بند و بار ثروت ملی همين مابده دست گردانند
رژيم و بعضی خاندان پهلوی و دستيارانش ربه کمک
کارگزاری اين گروه به دست انحصارهای چپاولگر
امپرياليسی و اينجا ديک پایگاه نظامی متجاوز برای حفظ
تسلط امپرياليسی بر ثروت های می بايان منطقه خليج فارس
نگهداری تسلط امپرياليسی بر ليهن منطقه به عنوان یکی از
عمده ترين پایگاه ای متجاوز عليه کشورهای سوسياليسی و
کشورهای مستقل ملی و بالانورد سركوب درگونه جهش استقلال
البانه و امپرياليسی در ايران و در ساير کشورهای منطقه
خليج فارس است .

هر روز قشر ای تازه تر از مردم همين ما با انجمنهای
طبقه ای و اجتماعي گوناگون به اين نتيجه می رسند که رژيم
استبداد سپاه کمونی عمده ترين مانع بر سر راه تکامل جامعه
به سوی هدف ایی است که آنان برای پیشرفت و تکامل
آينده همين برگزيده ماند . شرايط مختلفی که در يك سال -
گذشته از طرف گروه هاي گوناگون اجتماعي به طور نهان و
آشکار و در زمينه لزوم برآند اختناق استبداد سپاه کمونی بخش

شده بپائيز اين واقعيته است که به موازات مبارزان سنتی
انقلابی سال های اخير و نیروهای تازه مای از جامعه ايران
با انگيزه های ابيقاتی و وابستگی ای اجتماعي گوناگون به
جنگل در آمده و برای برآند اختناق استبداد ساواکی همين
مبارزه فعال گام گذاشته و می گذارند .

بررسی مشکلات فانه اين پديده نوين در زندگی سياسی
همين ما روشن می سازد که :

۱- رژيم استبداد سپاه محطد شاه با وجود امکانات
مالی گسترده و با وجود دستگاه اختناق ساواک و با وجود
تعميرات گسترده کشنده هر روز میده در درون کشور
و چه در بينه بين الطلی و صفی تری می شود و صبر و نشان
يك رژيم فاشيسی و جنایات پيشه بر ميشانی اثر نمایان تر
نقش می بندد . تناقضات در درون نزديک ترين اقشار
اجتماعی در هر رژيم حتی در هم ترين پایگاه قدرت اش
بعضی ارتش هر روز عيان تر می شود .

۲- جبهه مبارزان ضد رژيم استبداد ای کمونی گسترش
بیشتری می یابد .

۳- ترکیب نیروهای که هم اکنون در اين مبارز شرکت
می جويند و بدون تودید نیروهای که در آينده به آن خواهند
بپیوست بسيار ناهمگونند . اين ناهمگونی هم در زمينه انگيزه
ملی ابيقاتی و اجتماعي وهم به تبعيت از آن در هدف های
مبارزه ای که در پيش گرفته اند متعاضد می شود .

۴- صرف نادر از اين ناهمگونی در انگيزه ها و هدف
های در هر مبارزه در يك هدف نزديک می پذيری بايان دادن
به استبداد کمونی و برآند اختناق ساواکی و همين نیروها
با يکدی بگر مشتري هستند .

۵- شیوه های گامی نيروها برای رسيدن به همين
نزديک ترين هدف خود به کار می بوند یکسان نیست و در اين
زمينه گوناگونی فراوان و در مواردی تناقض آشکار پياده
می شود .

۶- با کنار گذاشتن اين فرض که ممکن است در شرايط
معینی از تشدید تناقضات در درون جهت حاکمه ايران و
همچنين در درون اردوگاه امپرياليسی و تهييراتی در رژيم
سیاسی کمونی ايران در جهت مخالف استبداد کمونی بوجود
آيد ، بايد اين را بپذيريم که در شرايط کمونی کدام از
نیروهای سازمان یافته و با برانگنده مبارزان و مخالفين
رژيم استبداد ای کمونی توانایی آن اندارد که به تنهايی
استبداد را برآند آرد . نمی توان پذيرفت که در آينده نزديک
هم یکی از اين نیروها بتواند به نفع امکاناتی دست یابد .

۷- بين نیروهای که برای رسيدن به اين نزديک ترين
هدف مشترك و بعضی بايان دادن به استبداد سپاه ساواکی
مبارزه می کنند و هنوز دين گونه هماهنگی وجود ندارد و به تدریج
از هم در بسياری از موارد اختلاف نظرهایی که در اين
دوره مبارزه عمده و تعمين کننده هستند موجب برخورد های
کاميابش فرساينده کمونی در جبهه نیروهای ضد رژيم استبداد

پیام حزب توده . . .
می‌گردد .

۸- لوتجام سیاه ر استبداد محمد رضا شاه پسا در دست داشتن به سازمان متمرکز لذتخان سیاه و امکانات مالی و فنی بی‌مرز برای اجرای این سیاست جنایت آمیز با زورنگی مودیانهای از این لذتخانات در جبهه مخالفین کشور بهره گیری می‌گردد و سیاست پراکنده طرز به بیان همانند از و سرکوب کن خود را از پیگیری بود و مخالفین خود را جدا جدا سرکوب می‌کند .

این استبداد وقتها از زندگی سیاسی کنونی جامعه ایران .

این واقعه است تا از یک سو عادی آفر و خنثی کننده و از سوی دیگر در تانک اند . . . در حسابها به ما می‌آورد که تا هنگامی که این شرایط در میان زده نگا سازمان در رژیم استبدادی به حال کنونی این باقی بماند ، با وجود دشمنی چنین غدار و مکار و جنایتکار نمی‌توان امید به پیروزی داشت . اما اگر همین نیروهای موجود گردیم آیند و امکانات خود را متحد سازند و از مجموع این نیروها امکانات به مراتب وسیع تری پیدا خواهند شد که می‌توانند امروز یا فردا در درون حال به بخور نسبی در کوتاه ترین فرصت رژیم استبداد را از پای در آورند و شرایط لازم برای رشد عادی جامعه ایران به وجود آورند .

پس چه باید کرد ؟ حزب توده ایران با احساس مسئولیت در این تاریخی که در مبارزان راه پیشرفت اجتماعی و همه مخالفان راستین رژیم استبدادی به روشن دارند مبارزان دعوت می‌کند که به سوی براندازی ضد ملی گام بردارند که بر سر راه مبارزه متحد نیروها می‌تواند رژیم استبدادی قرار گرفته است .

حزب توده ایران بر آن است که با امانت مسئولیت و با کمک روشن بینی سیاسی همه مبارزان متحد رهپیان استبدادی و مخالفان رژیم کنونی می‌توانند بر این دشواری‌ها چیره شوند و میان خود وحدت عمل به وجود آورند و جبهه برای براندازی رژیم استبدادی کنونی برپا سازند . برپا به حسین اعتماد مسلم است که حزب توده ایران همه مخالفان رژیم کنونی ایران را فرا می‌خواند که برای پایان دادن به استبداد سیاه ساولتی در راه جبهه وسیع متحد دیکتاتوری گردیم آیند .

به نظر ما برای شرکت در چنین جبهه‌های تنها به شرط نیروی کافی است و آن مهارت است از آمادگی برای مبارزه فعال در راه براندازی رژیم استبدادی . تنها به پایه پذیرش این یگانگی شرط است که می‌توان جبهه متحدی از ضد نیروها به وجود آورد و آنرا به صورت اتحاد نیروها برای آزادیم آبی بنویسند و یگانگی نیروهای شرکت کنند در آن در آورند .

پذیرش شرط پایه‌ای پادشاه در بالا به عنوان یگانگی شرط و وظایف مشخص و معینی را در برابر شرکت کنندگان در چنین جبهه‌های می‌گردد . ولی مادرین مثال بر آنیم که پذیرش این شرط و پیروی از آن به شیوه وجه به آن معنا نیست که شرکت کنندگان در چنین جبهه وسیع متحد دیکتاتوری حتی یک گره از مواع اصولی و اهداف سیاسی دراز مدت و کوتاه مدت خود را مجبور باشند از دست بدهند و یا بر ارزشهای اخلاقی خود تجدید نظر بنمایند و یا این که بخواهند در نهادهای سیاسی و شیوه‌های مبارزه خود را به دیگر شرکت کنندگان تحمیل نمایند . به نظر ما جبهه تنها به منزله چهارچوب است برای گرد آوردن متوافقی نیروهای گوناگون شرکت کننده در آن و به کار انداختن متوافقی این نیروها در لحظه و محل و درگیری مشخص برای به دست آوردن بالاترین نتیجه ممکن .

حزب توده ایران آماده است همه امکانات سیاسی و تبلیغاتی و انتشاراتی و فنی خود را برای یک چنین گردیم آبی که بدون تردید دارای اهمیت تاریخی است و به کار اندازد .

از آنجا که حزب ما به عنوان یگانگی سازمان سیاسی از میان سازمان‌ها و گروه‌های دیگر مبارزان در رژیم دارای مرکز فعالیت قابل دسترسی است می‌تواند هرگونه رابطه نیروی را بین از سازمان و گروه دیگری از دستبرد مساوی در امان نگاه دارد و از همه مخالفان رژیم که خود را آماده برای شرکت در چنین گردیم آبی می‌بینند دعوت می‌کند با سازمان مرکزی حزب رابطه بگیرند و در فراهم آوردن زمینه برای تبادل نظری و خلاق و وسیع با ما همکاری کنند .



برای اخذ تماس با مرکز حزب از آدرس زیر به طور غیر مستقیم استفاده کنید :

Sweden
10023 Stockholm 49
P.O. Box 49034
رادیوی بیسک ایران

بانک رسای مردم ایران و آوازی بند توده زحمتکن صمیم ما وجود آن بهر در همه آن نیروها و با ایرانی است که در راه استقلال آزادی و پیشرفت ایران عزیز ما مبارزه می‌کنند .

رادیوی بیسک ایران همه روزه در دسترس به زبان فارسی برنامه پخش می‌کند : نوبت اول از ساعت ۷ تا ۱۰ ظهر و نوبت دوم از ساعت ۵ تا ۸ عصر .
شماره سررویی اصواج کوتاه رادیو بیسک ۲۶۵۲۵ و ۳۱ متر .

کارزار وسیع ضد کارگری رژیم

کارزار وسیع ضد کارگری که در زمانهای اخیر بر اثر مبارزات عادلانه کارگران برای افزایش دستمزدها و خواست آنان برای تغییر قانون کار به صورتی که این زحمتکشان را در دسترس کرده و اکنون دارد شکل آن مشخصتری به خود میگیرد بدین معنا که دشمنان این کارگران را شاه و پادشاهان و رژیم گرفته تا بلندکوه ای تبلیغاتی سرمایه داری بنویسند و وابسته ایران و آمریکا را در این راه بصورت فرمولهای کوتاه درج نمایند برای گمبختن آنان در قانون کار و تفریق آن با توجیه به زیر سازمان امنیت شدیداً فعالیت می کنند. علمداران مذهب و این کارزار کشیدند کارگری به امور عده عبارتند از روزنامه تهران اکسپوزیشن "روزنامه آینده گان" و مجلسه "خواندنیها" که هم نوشته های ضد کارگری و دعای اولی را تجدید چاپ می کنند. همچنین برای افزودن به آن ها می افزاید.

کثیر بگیرند تا سرمایه داران به سرمایه گذار و لقب شوند. با روش حمایتی به اصلاح تشریحی نظریات ضد کارگری و خواهان ثابت نگه داشتن دستمزدها می شود تا گویا باعث بالا رفتن قیمت ها نشود. و بدین خوانند آنها که نه بر اساس شعور اقتصادی بلکه از روی چشم طبقاتی به مصلحت برخورد می کنند مدعی است که پائین بودن سطح دستمزدها یکی از پایه های رشد صنعت در هر کشور است. و اگر انگلستان بزرگترین کشور اقتصادی و صنعتی گذشته جهان به حال روز گونی افتاده مصلحت آن نه در مصایب صنعتی نظام سرمایه داری و یا در هم فروختن نظام مستعمراتی امپریالیسم بلکه در افتادن حکومت آن به دست کارگران است!

و در مورد قانون کار که به زبان های مختلف می گویند که قانون کار باید از مصلحت صنایع کشور و سرمایه گذاری کشور باشد نه حافظ مصلحت کارگران. نتواند آنها می نویسد: حق اجتماع مردم بر حقوق کارگران است چرا که به نظر او اجتماع یعنی شهر معدودی که بر اثر فشار دستمزج کارگر و دهقان میلیون ها میلیون تومان ثروت روی هم انباشته اند و نه زحمتکشان شهر و ده که بی از نوبت در مردم اجتماع را تشکیل می دهند. سرمایه داران و کارفرمایان بزرگ می خواهند که قانون کار حد اکثر صورتها باشد اکثر باوری کار بر اینها تائید کند. آنان نه تنها با دستار جبرگیرند، کارگران را با احتیاجها هستند بلکه می خواهند شکل های جدیدی از مبارزه کارگری که در شرایط تسلط نظام خونی تروریستی به کار گرفته می شود یعنی کم کاری و بیکاری نیز مجازات شدید قانونی داشته باشد. سناتور قاسم لاجوردی به هنگام صحبت در باره بودجه صریحاً گفت که هدف از لایحه قانون بیمه بیکاری که این قدر صراحتاً رژیم در راه آن تبلیغ می کنند باید این باشد که کارفرما بتواند بدون جبران خسارت درگاه که ضروری دانست کارگران زیادی را بیکار و در انزوا کند تا نسبت هزینه دستمزدها به تولید بالا برود.

سرمایه داران و کارفرمایان در نظر ضد کارگری که دارند آزادانه اعلام می کنند و آن را در تمام روزنامه ها به چاپ می رسانند و اما زحمتکشان ایران که موقع برگزاری به اصطلاح کنگره سوم کارگران حدود ده هزار نفرها در تبعیه گرد میوندند و در هیچ جا نتوانستند آن را حاضر کنند. به امری که ضامن می کنیم در عرض تبلیغات فزاینده نابرابر است. یگانه ماطی که می تواند این نابرابری را جبران کند و تشکیک و وحدت کارگران و مبارزه سازمان یافته در همه جمعی آنان برای به گریز نشاندن خواست های عادلانه کارگری و تحمیل دستمزدهای متناسب با هزینه زندگی است.

به این کارها در شرایطی انجام می شود که کارگران و زحمتکشان ایران با وجودی که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند روزنامه یا وسیله ای برای توجیه نظریات خود و دفاع از حقوق خود ندارند و در عالی که اقلیت بهره کشنده و بیچاره فارتگر آن که شاه نمایندگانی آنها است و تمام مسائل ارتباطی جمعی را در اختیار دارند و انواع اتهامات ناروا را بر کارگران وارد می سازند و محیط را برای تحقق نتایج های آرزو شده خود صاف می کنند. به قول سعدی: "سندان را رابسته و صد کار افتاد باند". در کشوری که مذهب و تهر مانع شده سازمان امنیت هستند و بسیاری از مالبا آن تا مستقیماً از سازمان امنیت صورتی نشانده می رسد و باید گفت که بدون توجیه این کارزار وسیع ضد کارگری به دستور شاه سازمان داده شده و از یک مرکز واحد رهبری می شود. آتش اصلی حملات تبلیغاتی رژیم روی چند صطلح متمرکز شده است: ضد الفت شدید با دستمزدهای عادلانه و کوشش برای محدود کردن حق اعتصاب و تلافی برای تشدید بهره کشی از طریق تغییر قانون کار.

شاه از وجود وابسته کردن افزایش دستمزدها به اصلاح بهره وری کار صحبت می کند بدین این که بگوید آیا صنایع دستمزدهای گفونی برای برآوردن حجم تولید نیازهای زندگی بیامانواده کارگران آتی است یا نه. نیز بر کارلنا می گوید که حتی اگر از رویا بود و باید دستمزدها بیشتر و بیشتر از آنچه شورای عالی کار تعیین می کند و به کارگران بدهد وزارت کار آن را به رسمیت نراند شناخت.

"تهران اکسپوزیشن" صریحاً پشت سر مقاله می نویسد و به کارگران نشانده می دهد بیشتر بهره کار کنند و پول

سیاست کشاورزی رژیم شاه

محمد علی
سه دمقانی است

این برای مرحله اول کار است. قرار دادی که وزارت کشاورزی امضاء کرده گسترش تادیهست و پنجاه هزار هکتار زمین بیابانی می‌کند، بهبود نیست که وزیر کشاورزی امریکا وقتی در ایران بود آن حد از نتایج مذاکرات خود پادشاه و دیگر گردانندگان رژیم ایران خوشوقتی کرده قول خود را در تهران و در آن ترک گفته.

انحصار سرمایه داری کشورهای دیگر که اغلب شامل چیزی از مونیول های بلند طبقاتی هستند و به نحوی از آنجا زیر نفوذ سرمایه های امریکایی قرار دارند در این زمین به سوی کشاورزی ایران سهیلند. دارو دسته شاه زمینه را برای آن ها آماده نموده و همه گونه تسهیلات را فراهم می‌سازد.

انحصار معروف هلندی که هدف شرکت مخصوصی در امر کشاورزی و دامپروری را در بر می‌گیرد، موسسه ای به نام شرکت لرلی صنعتی ایران ایجاد نمودند و از بیست و چهار میلیون فرانک سرمایه گذاری، چهار میلیون آن را تقبل کردند. سرمایه دار لرلی معامله آن ها بیات است.

سرمایه داران هلندی ایجاد طرح تهیه شیر به ظرفیت نه هزار لیتر در ساعت و مزرعه نمونه با ششصد رأس گاو را در نظر دارند. البته از راه بند و بستی که قبلا زمینه آن مقامات دولتی ایران ریخته شده و به نام تغذیه رایگان دانش آموزان و دانشجویان یک لیوان شیر به پول دولت مستقیما به جیب این انحصارات سرانبر می‌شود، صرف نظر از آنکه شیر برسد یا نه و خواب و فاسد شود یا نه و وسایل راه توسط دلالان ضحرف شده و در بازار به فروش رسد یا نه.

نمونه دیگر رسوخ سرمایه های خارجی در کشاورزی ایران بهرین انحصارات دانمارکی است که آن ها هم در دامپروری از بزرگترین تراستها در صنایع جهانی هستند. در این جا هم تنها فلان سرمایه دار خصوصی با فلان انحصار دانمارکی درویند نکرده بلکه انحصارات فرجیح داده اند کار را چهار میخند کنند و مستقیما وزیر کشاورزی خود را به ایران فرستاده و قرار داد را به امضاء وزیر کشاورزی ایران که کسب دارد به وزیر سرمایه های به کار افتاده در کشاورزی هم از دانشی و خارجی "تهدیل می‌شود و رسانیده اند. عظمت این بیوز از رقم پنجاه تا شصت میلیارد دلار زمین و اعتبار ظرفی پانزده یا بیست سال آینده هود است.

رقم سرمایه گذاری انحصارات دانمارکی در ایران ه از همه چیز آن چنان جویان باید که دولت شاه امیدوارتر دارد و قرار است چهارصد میلیارد تومان در بخش کشاورزی برسد. از جمله نخستین طرح ها چهار مجتمع دامداری

سیاست رژیم شاه که می‌آیند توجه صریح تر ماصبا بهره کنی سرمایه داری را در رستای ایران - اگر کند و به قیمت خانه غرابی و سلب مالکیت از دهقانان و از طریق اهدای کمک های وسیع مالی و قرض به سرمایه داران و زمینداران مزرعه به طول انجامد کشاورزی سنتی به راه اندازد و سیاستی است که مورد رسوخ توجه بیشتر سرمایه های فارتتر خارجی در دو رشته کشاورزی و دامپروری می‌شود. یعنی سیاستی است بطور مستقل ممکن وابسته کننده. در این جا برین از آخرین نمونه از این واقعهست رها بازگویی کنیم.

یکی از معدودترین سرمایه های خارجی که در کشاورزی امریکایی که از حمایت دربار و کارگروانان منتفذ دستگاه حاکمه برخوردارند و با آن تا زود ویند دارند و خرجه بیشتر از طریق خرید و اجاره زمین های وسیع زیر سد های از طریق شرکت درواید های بدین کشاورزی یا از راه تحصیل اعتبار و حتی از طریق چند اندازی بر امر شرکت های سیاسی زلفی و وارد در رشته حمایتی کشاورزی می‌یوند و آن را بر نظر می‌گیرند و از آن سود هنگفتی به جیب می‌زنند.

رسوخ از راه شرکت این سرمایه زلفی نوع جدیدی است که بار دیگر در کشاورزی ایران انحصاری و حمایت این شرکت او هدفی را که رژیم شاه از ایجاد آن با تحقیق می‌کند نشان می‌دهد.

حین این راه همیشه معروف سرمایه گذار امریکایی ریاست فرمانده اریالت اید او و با شرکت سرمایه گذاران کشاورزی امریکایی به ایران آمده که یکی از حساب نویین کار آمد در بازار شرکت مساهلی زلفی گروار بود. انحصارات امریکایی با دادن سرمایه و اعتبار و یا تامین پذیر و ارائه تکنولوژی و یا عرضه طریق کسب سبب زمین و غیره از این واحد ها که قاعدتاً بیستی تعاونی و در خدمت دهقانان و با همده برای مقاصد فارتتراند خود استفاده می‌کنند. زندگی بیوز وزارت کشاورزی را سا خدمت سرمایه گذاران امریکایی راه عمده گزیند و مراتع کرگان را به این عنوان که فرسودانند و به اجازت آوردی از سرمایه گذاران امریکایی و سرمایه داران ایرانی وابسته بدان دادند. انحصار امریکایی که برلران ایران چند انداختند و شرکت "کالینز" نام دارد و در طی در خدمت راه تنها بیستی تصاحب نموده و تصاحب اعتبار مالی این طرح است.

این امری که شاه تصاحب کوشش و دامداری و گفتارگاه و غیره نیز می‌شود یک صد هزار هکتار در زیر می‌گیرد. آری یک صد هزار هکتار از مراتع کرگان و تازه

توسعه طلبی چین مائوئیستی

دارد. جالب است یاد آوریم که این جزایر سابقاً جز جزایر اوکیناوا بود و تحت اختیار امریکا قرار داشت و به طایفه ایگاکه و موانج جنگی امریکا از آن استفاده می‌شد در آرزوی چین درباره آنجا چیزی نمی‌گفت و ادعای هیچ نداشت. ولی همینکه اداره امور اوکیناوا و طحقاتش به ژاپن واگذار گردید، رهبران چین فوراً ادعا مطرح کردند. انگیزه اصلی این ادعای مائوئیست‌ها فزادگی نفی است که در منطقه جزایر سین تاکو کشف شده.

درباره جزایر واقع در دریای جنوبی چین مائوئیست‌ها تئوری را به اصلاح صحیفه کرده و بی پروا تر عمل می‌کنند. آن‌ها بسیاری از این جزایر را که به هیتنام فیلیپین، مالزی و اندونزی تعلق دارد، مال خود میدانند و حتی در ژانویه سال ۱۹۷۴ جزایر پارامل راگنیه خاک هیتنام است و تحت اشغال نامی درآوردند.

نوامبر سال ۱۹۷۵ روزنامه "فن مین نیپاؤ" با افتاد به اصطلاح دلائل باستانشناسی و تاریخی طعی شده که بین ارض هیتنام جزیره و خرسنت زیر آب و پایداری پهنی نقاطی که امروزه آب فرار دارد و مکر استرزی به جزیره‌ای مبدل شود مخاک چین است.

چیزی که غریزه توسعه طلبی مائوئیست‌ها را به ویژه تحریک می‌کند ضایع سرخار طبیعی ضطقی مورد انا و به ویژه رگه‌های عظیم نفت و گاز است که اخیراً در منطقه وسیعی از حوالی جنوب ژاپن تا مالاگا کشف شده.

سال ۱۹۵۴ هنگامی که انحرافات مائوئیستی می‌رفت تا به تدریج از حالت استتار به درآید در جمهوری توده ای چین کتابی به نام "تاریخ متغیر چین به نام" انتشار یافت. کتاب مضمون نقشه‌ها بود که در آن چنین نشان داده می‌شد که خاک برمه، هیتنام، کره، تایلند، مالزی و نیپال، بونان مسکیم، جزایر اندامان و جمیع الجزایر کهیل همه جز خاک چین است و در سال ۱۸۴۰ تا ۱۹۱۹ به اصلاح توسط امپریالیست‌ها اشغال گردیدند. طاقین طرح این دعا خرد مائوئیست‌ها این است: "به نسبت اگر جمهوری توده‌ای منولستان نیز به چین تعلق شود".

پس از تقریباً ده سال، مائوئیست‌ها این سخن گفت و لو با کوهی از سوسیالیست‌های ژاپن طعی شد که بخشش عملی از خاک شهری، خاک چین است. یک سال بعد یعنی اوت ۱۹۷۶ مائوئیست‌ها در جلسه بیرونی سیاسی حزب کمونیست چین اعلام نمودند: "چین حتماً باید آسیای جنوب خاوری را به انضمام هیتنام جنوبی، تایلند، برمه، مالزی و سنگاپور در دست داشته باشد و این مناطق را دارای ذخایر عظیم انبوهی است و ارزش کوشش آن‌ها را دارد".

در آغاز سال ای ۱۹۷۰ مائوئیست‌ها به سوی ژاپن نیز دست‌درازی کردند و طعی شدند که جزایر سین تاکو واقع در ۱۶۰ کیلومتری شمال شرقی تایوان به چین تعلق

که ایران بازار فرآورده‌های کشاورزی و دامی استرالیا شود. جواب این سوال را که چقدر پول در برسان وادوهای آن‌ها در این میان به جیب زده‌مانند، فقط خود دست‌اندرکاران می‌دانند. و این که معامله منور به قیمت‌خانه خرابی و روشکست چند هزار دینار ایرانی و خرده مالک ایرانی تمام غول‌ها شد املاک شان پهنی کرد.

این همانست چند نمونه از رسوخ سرمایه‌های استعماری در کشاورزی ایران طی ماه‌های اخیر، همه به رقم درشته با طیارها و با پول و پانرقتن ده‌ها و صد‌ها هزار هکتار، با به جیب‌زدن میلیون‌ها دینار سالانه.

سیاست استعمار و صاحبان بهره‌کشی سرمایه داری در کشاورزی ایران لا محاله با نفوذ استعماری سرمایه‌های غارتگر امپریالیستی همراه است و دولت شاه با این سیاست مائوئیست توده‌طلبی خود را در کنار غفلت توده‌طلبی و در بی‌تقانی خویش نشان می‌دهد.

سیاست کشاورزی رژیم است و سه تا با ارزینت پانصد کاو و چهارمی با طرفیت ششم کاو. حالا به سر داده‌اران کوچک ایرانی و دقتانگ که در مقابل رقابت خود رکننده چنین جمعیت‌های فرا نابود می‌شوند و به خرابی و آفات و صطدای است که گردانندگان وزارت کشاورزی و دریاری که از آن‌ها دستور نظام ایمن معاملات صادر می‌شود، به کلی با آن بیگانه‌اند. لیا یک نمونه دیگر توفد سرمایه‌های خارجی را استوار که آن‌ها هم با انحصارات انگلیسی و امریکایی وابسته است و هرزه می‌دارد. انحصار استرالیایی که گروه دارلینت و کولک نام دارد تا همین داده است. سوسه تولیدی در دولت استرالیا باشد ولی بقدرت از پول را از "بانک توسعه کشاورزی ایران" که لایه بالا باید نامش را بانک توسعه کشاورزی استرالیا گذاشت، تا همین نماید. پنداره درصد از سه‌م مربوط به استرالیا است که به حصول مانت و آماده زرفی و دامی را با قیمت‌ها و اینها به ایران صادر خواهد کرد. در واقع دولت ایران هم در برداشته و همراه داده‌است

آن جاودان

در این عصر کویزنده
 که کوی جز خیالی نیست
 تو آن جاودان را در جهان خود پدید آور
 بجز چیزی فراموش است
 آن دم را زوالی نیست
 در آن آنی که از خود بگذری
 و زنده خود خواهی
 بر آبی در فراخ روشن فردای انسانی
 در آن آنی که دل برساند از سوسای شیطانی
 روانت شعله بر گردد
 فرو خورد پلمبی را
 بدر می دود آلود شک و ناپیدی را
 به سیر سال تا باید تدارک دید آن را
 چه صیقل آنگه باید داد از نوج و تمب جان را
 به راه خوبی پای افشرد و ایمان داشت پیمان را
 تمام هستی انسان گروگان چنان آنی است
 به پوز آرزوی او زن ما طرفه میدانی است
 در این میدان اگر پوز گزوی
 گوشت بودی

وگر بشکستی آنجا

زود توازیر خود مری

به این ترتیب رژیم مائوئیستی چین علیه قسمت اعظم
 مصایگان ادعای آزادی دارد این ادعا در باره چند
 کیلومتر و یا چند صد کیلومتر نیست بلکه چندین میلیون
 کیلومتر مربع شکی و دریا و خاک چندین کشور کوچک و
 بزرگ را در بر می گیرد. آنچه همه مصایگان علیه
 ادعای چین و سیاست توسعه الجانه مائوئیست ها
 جدا اعتراض می نمایند و ولی مائو در دسته این با
 وقایع نظام اشتهای جهانگویی خود را در باره پدیدتر
 می کند.

در نخستین ابتلا سیه ملی جمهوری سوسیالیستی
 ویتنام و اولین موزون که مورد بحث و اعتراض نمایندگان
 قرار گرفت و اشغال جزایر پاراسل و اسپراسلی از جانب
 چین بود. گروه سلف انگیز است و ولی این واقعه است
 است که خلق ویتنام پس از آن که به بهای فدکاری ها
 بی شماره خود را از جنگال خون امپریالیسم رها کرد و در
 اولین روز دولت و آزادی دشته مائوئیست ازاد رقابت
 خود دید.

مائوئیسم ازاد رقابت مائوئیسم ای انقلابی تر است
 توانسته بود برخی افراد را بفریبد و اکنون دیگر خیلی وقت
 است که با لصل هر هتا و خود و خود را رسوا نموده -
 مائوئیست مائوئیسم را در این چند گانه می توان خلاص کرد:
 دشمن انقلاب و ترقی و نظام امپریالیسم فاشیسم و
 هانت الیبت اشغالگر.

چین توانسته است که رژیم مائوئیستی چین را با
 مرتجع ترین رژیم های جهان و از جمله رژیم ناپلوسی
 و ضد دموکراتیک شاه ایران ببرد می داند.

دنباله - خبرها - انتصاب کارگران تیشکر...

خواستهای حقه امرا عنوان کرد میوند بشدت برانگیخت.
 گمانت کارگران پاکستانی در نارخانه تیشکر گفت تبه بجای
 کارگران ایرانی بهت در هم شکستن انتصاب شد اما این جنا
 آنگار و زنیلانه انبار باروشی از خشم را در دل کلمه کارگران
 حتی مردم ایجاد کرده است. بدون شك این تدبیر همه
 کارگری نخواهد توانست از جاوزات تارگری و متشکل شدن
 کارگران در راه خواستهای حقه و قانونی خود جلوگیری کند.

۲۶ - انتصاب کارگران کارخانه نورد اوز

در ماه گذشته ۱۷۰۰ نفر از کارگران کارخانه نورد اوز
 انتصاب یکراجه و سازمان یافته ای را شت ساندانشند.
 کارگران انتصابی که در میان آنها جمعی از دانشمندان
 نیز دیده میشوند عنوان ۲۵ درصد افزایش حقوق و
 اجرای البته بندی مشاغل و تسریع در پرداختن حقوق العاده
 کار بودند. کارگران عملی نه موعولا پس از پایان سیک
 دوره کار اخراج میشوند و خواستار آن بودند که نسبت به

تأمین زندگی آنها و تضمین ادامه کارشان اقدام کرد.
 در مورد افزایش ۲۵ درصد بر حقوق تارگران و از بدتر
 پیش براتر تقاضای ای مکرر تارگران از طرف کارفرما قبول
 صلح به آنها داده نمیشود. اما این قول و قرار تا چنین
 گاهی جاه عمل نبوده بود. کارگران وقتی از مراجعات
 مکرر و تکرار خواستهای خود به نازرما نتیجه مطلوب را نگرفتند
 انتصاب موز کسوف را با کنگدکاری آغاز کردند. نند ناری عطا
 آنها چند روز ادامه یافت. کوشش های مسئولان کارخانه -
 برای متقاعد کردن کارگران انتصابی و راداشتن آنها به
 شکستن انتصاب به نتیجه نرسید. تارگران پس از چند روز -
 مبارزه خود را وارد مرحله جدیدتری کردند و بطور کامل دست
 از تار کشیدند. باین ترتیب نارخانه عطلانج شد. دستگی
 کارگران و موقع سنجی آنان و تا کنگد نهایی ده انتخاب کرد
 بودند سرانجام در روز که از انتصاب کامل آنها مگذشت
 کارفرمایان را به عقب نشینی واداشت و باین ترتیب کارگران
 مبارزه پرشور خود را با پیروزی به سرانجام رسانیدند.

خبرها

۱- ترویج از کارخانه چیت سازی تهران

شهرهای رسیده از کارخانه چیت سازی تهران چنان است که ساواک به شدت فشار خود بر کارگران این کارخانه افزوده است. در موقع جرم گیری به کارخانه همبندی چهارشنبه یازدهم اردیبهشت ماه و عدای از کارگران را مجروح و حدود پنجاه نفر را دستگیر کردند و اطلاعاتی به در کارخانه زدند که هلام می گرد کسانی که حاضر باشند با شرایط جدید کار کنند و برای نام نویسی مجدد مراجعه نمایند. به کارگرانی که برای استخدام مجدد مراجعه کردند و کفتری را برای اعزام داده اند که در آن گفته شده است: «اعتصاب غیر قانونی بوده و نتیجتاً تائیدی نداریم. با این حال به دستور کارگرانی که از توبه کار پذیرفته شده اند سی ریال افزوده شده است. کارگران به شدت خشمگین اند. اعتصاب متشکل آن ها به بالا رفتن آگاهی طبقاتی و وحدت صفوف آنان گامی نوازشی گرد و علی رغم فشار یونانی ساواک گرفتن التزام و امضای کتب داور به غیر قانونی بودن اعتصاب و ادرار بین از زمین شان دیگری به جتانب غیر و تائونی بودن تقاضا و اعتصاب شان معتقدند. مبارزه با عضو و زمین بینی و احتیاط انقلابی ادامه دارد.

۲- اعتصاب کارگران کارخانه ابن سیمان و سیمین و شهرهای صنایع پشم در اصفهان

در تیرماه سال جاری کارگران کارخانه سیمان اصفهان که سابقاً متعلق به احمدیان بود اکنون دولت آن را اداره می کند و دست به اعتصاب زدند. وست کارگران اذافه دستور بود. کارگران از آمدن به کارخانه اجتناب کردند. اعتصاب چهارروز طول کشید و موفقیت پایان یافت. بلافاصله پس از اتمام یافتن اعتصاب کارخانه سیمان و کارگران کارخانه ریخته گری ریخته گری سیمین اصفهان اعتصاب خود را به خاطر اذافه دستور آغاز کردند. آن ها چهار سال بود که اذافه دستور دریافت نکرده بودند و توبه به زمین بواب شدند. زمین زندگی در این مدت در واقع صلاح زندگی آن ها زمین بار پائین آمده بود. اما پدید روز اول کشید و کارگران موفق شدند تا فریاد اعتراض دستور غیر قانونی وادار کنند. پس از اعتصاب کارگران کارخانه سیمین تربیت به کارگران کارخانه های صنایع پشم و صنایع پشم رسیده که به ترتیب اولی ۷۰۰۰ دوی بین ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰-

کارگردان که در سه نوبت (سه نوبت به کارشناسانید. کارگر این دو کارخانه در ماه های آخر سال گذشته نیز به خاطر سود ویژه محقق و بهبود شرایط کار است اعتصاب موفقیت آمیزی زده بودند که از چهار آن به موقع انتشار یافت. کارگران این دو کارخانه نیز چهار سال بود که اذافه دستور دریافت نداشتند بودند و لذا به عنوان اعتراض به جاهد ماندن دستور ۱۸ و در شرایط بالا رفتن سریع قیمت دست از کار کشیدند و در محوطه جلوی کارخانه اجتماع کرده از رفتن به داخل کارگاه عا اجتناب کردند. پس از چهار روز وزارت کار از توس این که مبادا موج اعتصاب کارگران سراسر اصفهان را فرا گیرد با افزایش چند درصد به دستور کارگران موافقت کرد. کارگران هم برای این که بهانه متوجه به دست ماموران پلیس و ساواک آذکشانند خود موقظ به سر کار خود بازگشتند. اما کارگران بر آنند که در آینده به مبارزه خود تا حصول تمام خواست تائیشان ادامه دهند.

۳- اعتصاب کارگران صنایع غذایی مینو

کارگران صنایع غذایی مینو واقع در جاده کرج ۱۰ از روز چهارشنبه بیست و سومیر دست به اعتصاب زدند. در این اعتصاب است ای کارگران اذافه دستور قرار داشت کارگران اعتصابی می گفتند با توجه به فشار تورم و افزایش روز افزون نرخ ها باید در دستورهای آنان تجدید نظر اساسی شود. آن ها خواست های خود را ابتدا با مسئولان کارخانه در میان گذاشتند و اما وقتی توجه نگرفتند و در سر کار خود حاضر شدند و شش ماهین تا قرار گرفتند ولی دست به کم کاری زدند. چند از ظهر نخستین روز اعتراض مسریست یکی از کارگاه ها در کارخانه کارگران به آذکشان و ملامت گرفت و اما کارگران سخت واکنش کردند. از فردای آن روز به جای کم کاری به کلی دست از آرز کشیدند. آن ها بیست ماهین اقرار گرفتند ولی هلام کردند که تا وقتی به خواست تائیشان توبه نشود کار را از سر نخواهند گرفت.

۴- اعتصاب و تظاهرات دانشجوین دانشگاه شیراز

در دانشگاه شیراز نظام آموزشی آمریکایی با تطبیق شده است. استادان بیشتر آمریکایی هستند و درسی ها به زبان انگلیسی تدریس می شود. در نتیجه دانشجویان فرصتی برای مطالعه کتب غیر درسی و آموختن و آشنایی با مسائل دیگر پیدا نمی کنند. قبل از امتحانات در دانشگاه ادبیات تائیان چند کتاب جدید در فهرست کتب آموزشی دانشگاه قرار میگیرد

در این مبارزه تا آنجا که لازم است پیش بروند. برای ایجاد تقایب بین کادر آموزشی و کادر اداری دانشگاه مسئولان آن به پذیرش خواستهای استادان شده‌اند و اما استادان به آن پاسخ‌های نامناسب داده‌اند. تظاهرات صورتی کار خود را پایان یافته تلقی می‌کنند که به درخواست‌های کادر اداری به طور کامل توجه کنند.

۶- اختصاب کارمندان شرکت مخابرات

کارمندان بخش تلکس شرکت مخابرات واقع در میدان سپه به عنوان اعتراض به افزایش ساعت کاره عدم پرداخت مزایای شغلی و اجباری کردن کار کشیک در شب و در روز می‌یکم خود ادمه دسته اختصاب کرده‌اند. با این اختصاب ارتباط تلکس ایران با خارج قطع شد. اینست این اختصاب که دامنه آن تمام کارمندان بخش شای مربوطه را دربرگرفت به حدی بود که بلافاصله وزیر پست و تلگراف در محل اختصاب حاضر شد و برای ختم آن با کارمندان به گفت‌وگو نشست. این در بخش تلکس فشار توان فرسای کارگری است که کارمندان

مضروب بعد از چند سال کاره اوم قلب به عارضه سنگینی گوش و نارسایی ای دی پیکر دچار می‌شوند. در تشک شبانه حرکت از کارمندان که مایل باشند کاری کنند. و به همین ترتیب اکثر کارمندان این شیفت را دانشجویان تشکیل دادند که در روز چهارشنبه در کلاس درس رسیدگی به امور تحصیلی خود هستند. اما ناگهان شرکت مخابرات تصمیم گرفت از خانم‌ها نیز در شیفت شبانه استفاده کند. به این ترتیب سوال زندگی شبلی از کارمندان راه نم می‌ریخت اعتراضات خانم‌ها بلند شد که اگر ما شب کارکنیم و تکلیف همسر و فرزندانمان چه می‌شود. دوازده ساعت کار شبانه زندگی خانوادگی ما را ضحک می‌کند. از طرف دیگر انتقال کارمندان زن به پست شبانه باعث می‌شود که دانشجویان نتوانند به دلخواه در ساعات شب کار کنند.

یکی از اعتراضات کارمندان که به اختصاب انجامید این بود که کار در شیفت شبانه لغتبری شده است. اجباری و دلیل آن اختصاب این بود که از دی ماه سال ۵۴ تا خورداد ۵۵ یعنی شش ماه مزایای شغلی کارمندان را نپرداخته بودند. انگیزه دیگری افزایش ساعت کار کارمندان از شش ساعت به هشت ساعت بود. کارمندان ضمن اختصاب خود یاد آور شدند که در هیچ‌یک از دنیا شغل سختین و ناپایه آمیزی که آن‌ها به عهده دارند بیش از چهارالی شش ساعت در روز آن‌ها هیچ درمیان درن نیست. و همین ساعات برای خراب کردن فصل و اختلا در سلامتی آنان کافی است. گفت و گو ها و عهد ها نتوانست کارمندان اختصابی راه سرکارشان برگرداند لذا شرکت مخابرات از قبیل تمام خواست‌های آنان ناپاچا شد.

این نکته شایان توجه است که کارمندان شرکت مخابرات از آگاهی در سطح بالا برخوردارند و این آگاهی را در شیوه مبارزه به طرز موثری به کار برده‌اند.

دانشجویان که بدون این نیز از نظام آموزشی آمریکایی و انواع فشارهای درون‌تک سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به‌سویه آمده بودند و از این اقدام بی دلیل به جوانی آیند و به عنوان اعتراض از کلاس‌های درس خارج می‌شوند. دانشجویان سایر دانشگاه‌ها نیز به حمایت از دانشجویان دانشگاه ادبیات پرداخته‌اند و آن‌ها می‌پوشند.

با مطالعه نیروهای مسلح شاه که همواره برای سرکوب دانشجویان به حال آماده با به سر می‌برند و در اندک مدتی تظاهرات صنفی دانشجویان به تظاهرات سیاسی تبدیل می‌شود. در این جریان چند دانشجو مجروح می‌شوند و مالکون مسلح شاه عده زیادی از دانشجویان را دستگیر می‌کنند که بر اثر ادامه تظاهرات دانشجویان آن‌ها را آزاد می‌نمایند.

پس از این حوادث توری پلیسی در دانشگاه شیراز تیرت یافت و همواران ساواک از ادامه درس دانشجویان نیز گه مجبور شده بودند آن‌ها را آزاد کنند و جلوگیری کردند و ایمن موجی از خشم و انزجار در میان دانشجویان برانگیخت.

۷- اختصاب استادان و کارکنان دانشگاه آریامهر

ماه سالست که همه استادان و کارکنان دانشگاه صنعتی آریامهر مبارزه آرام و یک پارچه‌ای را برای دست آوردن اضافه حقوق و اجزای این بازمنستگی مورد نیاز خود و نیز حل مشکل سنگین خود و بر اساس طرحی که از مدت‌ها پیش از آن ابداع شده و آماده می‌شد. استادان و کارکنان دانشگاه آریامهر و استارت کرده حقیقی‌های آن‌ها متناسب با افزایش بی‌رویه هزینه‌های زندگی بالا رود و ساعتین شهرت محل سکونت آن‌ها در کیلومتر چهار کیلومتری نزدیک شهر به مرحله اجرا درآید. ساختمان این شهرت مدت‌ها است که به امان خدایمانده و در حالی که از استادان و کارکنان دانشگاه مطالب نقدی برای اجرای این طرح گرفته شده است.

دانشگامان برای وارد شدن متنصفولان برای تن در دادن به خواست‌ها و حقوق ضروری آن‌ها و سال قبل به حالت اعتراض چند شبانه روز از دانشگاه خارج نشدند و آن‌ها حتی شبی هم در دانشگاه ماندند و تنها پس از آن که عده قلمی به آن‌ها داده شد و دانشیاران ترک کردند. اما در عمل این عده قلمی هم اجرا نشد.

دانشگامان چند ماه پیش بار دیگر در صدد برآمدند که به ترتیب سابق و با اقامت شبانه در دانشگاه و تحصیل ناپذیری شرایط مسکن و میزان حقوق خود را به استیلاص مسئولان رد بیاورند و نیز دانشجویان برسانند. اما پس همان شب دانشگاه را محاصره کرد. صبح‌های تلفن قطع شد و نگار می‌پوشید. پس از راه‌بری عطف به استادان آماده گردید. دانشگامان با مشاهده این اوضاع از دانشگاه خارج شدند اما دست از مبارزه برنداشتند. لذا کادر اداری آموزشی دانشگاه آریامهر در صدد

۷- انتصاب آمارگران مرکز آمار ایران

آمارگران مرکز آمار ایران کسبه غیر بیانی در اختیار سازمان برنامه‌ها و سازمان بودجه و امور مالیاتی قرار داده و در اختیار آن‌ها تفویض اختیار می‌کنند. چندی پیش تفویض آن‌ها بدون دلیل و یکساره به نه کارکنان مرکز آمار ایران و نه به آمارگران برای دفاع از ضایع خویش دست به انتصاب زدند ولی مقامات دولتی با آنان بسیار برخورد رشتنا کردند و به انتصاب آنها شکستند و مایه ازرنگار استخراج نمودند.

۸- انتصاب کارکنان بیمارستان تجرین

کارکنان بیمارستان تجرین به مدت چهار روز دست به انتصاب زدند. آن‌ها نه با استناد و نه با افزایش دستمزدها و نه به شایسته‌ها مقرر کردند. کارکنان انتصاب یافته در جوی بیمارستان جمع آمده و با در محوطه بیمارستان نشستند. بیمارستان ازجا واحد انباری و محاسبات و دروازه کارکنان با خارج قطع کردند. مقامات پلیس از ورود و خروج کارکنان جلوگیری می‌کردند. انتصاب کارکنان بیمارستان تجرین حاکی از وضع دشوار و غیر قابل تحمل کارکنان بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های کشور است. در حالی که هزینه‌ها از جهت درمان به نوسان آمده و آری بالای رود و سازمان بیمارستان‌ها در آستانه بحالی افسانه‌ای به جیب می‌زنند. کارکنان بیمارستان‌ها و کارکنان درون بیمارستان‌ها حق خود را از دست داده‌اند. این کارکنان در مطبوعات کشور باز شده و نشان می‌دهند که سرمایه داران بیمارستان‌ها و دولت‌ها و نه کارکنان بیمارستان‌ها در دستگیرند و در برابر این دستگیرند. بیمارستان‌ها بودجه‌ها را از آن‌ها گرفته‌اند. کارکنان بیمارستان‌ها و موسسات بهداشتی حق دارند از وضع خود ناراضی باشند.

۹- هجوم ساواک به شرکت‌ها

تعداد زیادی از شرکت‌ها از تولید و تجارتی حدود سه ماه پیش مورد هجوم بی سابقه قرار گرفتند. در نزدیک از این هجوم‌های کلاه‌راه دلیل مالیاتی، تخریب از اوایل سال سازمان امنیت شرکت‌ها شدند. در مورد مأموران مالیاتی ظاهر آن‌ها منحرف کردن توجه از دستگیری ساواک بود و زیرمهاجسان سراغ دفترهای شرکت‌ها می‌رفتند و در حماله به آری دنبال ارتام سرد می‌زدند و اینها معاملات می‌آشتند و بلکه آن‌ها تمام سراغ سینه ای شرکت را بست و جیبی کردند و همه چیز را به هم می‌ریختند و در زمین استناد و اداری را غارت می‌کردند و وقتی با اعتراضات مسکولان و دیگران شرکت‌ها روبرو می‌شدند و به آن‌ها توهین می‌کردند و به آشتی برای جیب‌ها جابجایی در حیطه‌ها می‌کنند و به شرکت‌ها اراکه نمی‌دادند.

تا آن‌جا که مال‌الایم در این حدود شایسته شرکت‌ها همین ترتیب مورد جوی و غارت قرار گرفته‌اند. این تجاوز و تخلف بی‌سرمایه و بی‌بجوز سرمایه‌داران

ملی و سازمان شرکت‌ها را به شدت نگران و بی‌بانی کرده‌است. آنان ناراضی و خشم خود را به بیان می‌دارند و ترسان این است که زیر سر این امنیت برای مردم بی‌امترین بی‌سرمایه تهن شرایط را ایجاد کرده‌اند. عمال ساواک و شاهپادشاهان گله‌ای گاو و گوسفند روبرو می‌شوند و تی آن‌ها در آن‌ها را به حساب نمی‌آورند که درباره اعمال پلیسی و بی‌قانونی خود - کمترین توبیخی به‌اند.

۱۰- باج خوانی دولت از شرکت‌ها و موسسات کوچک

مأموران مالیاتی وزارت دارایی از اوایل تیرماه به هجوم بی سابقه و گسترده مایه راه شرکت‌ها و موسسات کوچک عمومی آغاز کرده‌اند. دولت قصد دارد کمبود بودجه خود را با تقاطر کسبه و تجار و صاحبان صنایع کوچک جبران کند. در اولین نمودن مأموران مالیاتی به حجره‌ها و موسسات و شرکت‌ها می‌سیزه میدان و بازار تهران و تعدادی از تصحیر راه‌های اتوبوس برای آن‌ها تقصیرهای مالیاتی از دولت وزارت معمران به بالا نوشته شده است. اعتراض مردم این است که مالیات‌ها باید بر اساس وقایع و سیاحت شرکت و سود و زیان آن‌ها تعیین شود. افراد و کسبه مورد تعدی قرار گرفته‌اند می‌کنند میزان مالیاتی که به‌الله می‌شود بیشتر از مجموع درآمد سالانه‌ها است. در تعیین این مالیات سرمایه‌داران و موسسات کوچک بازرگانی و صنعتی و خدماتی و نهاده و مقرراتی رعایت نشده و جرم‌ها نیمی باج و اندازی است که از مردم می‌شود. تعدادی از تجار و کارکنان تهیه کرده‌اند و به نخست‌وزیری فرستاده‌اند. اما این اعتراض‌ها هنوز بدون پاسخ مانده‌است و به نظر می‌رسد که دولت قصد دارد به صورت تخریب‌های شرکت‌ها و موسسات و مالیات مورد نظر خود را وصول کند. اقدام غیرقانونی و ضد مردمی دولت خشم وسیعی را برانگیخته است.

۱۱- طرح خانقاری دولت برای تأمین

دولت برای ارج خانه جهت تأمین مردم و استان کردستان و کرمانشاه به ترتیب ۱۰ و ۱۲ میلیارد تومان اختصاص داده‌است. اجرای این طرح‌ها به بزرگترین شرکت‌های صنایع کارخانه‌های نظیر شرکت فولاد همایان و شرکت کلات واقع اوشده‌است. دولت ۲۲ میلیارد تومان هزینه این طرح را به حساب اعتبارات معمران خط‌های و دستگاه این دو استان گذاشته و نظیر این اجرای همه طرح‌های معمراتی را در این خط‌ها به ویژه در روستا‌ها متوقف کرده‌است.

۱۲- باز هم حمله وحشیانه پلیس به زندانیان سیاسی

از وضع زندانیان سیاسی زندان قصر تهران خبرهای بدی می‌رسد. از اوایل ماه‌ها به برابر با زندان هم آورد بی‌بخت و قابله امیر و زندانیان سیاسی این زندان بارها مورد هجوم پلیس قرار گرفته‌اند. به‌مانه حمله پلیس در روز اول ماه‌ها به این زندان که

زندانیان دسته جمعی سرودی خواندند و سرود خواندن گویند غیر انونی و جرم است. در این روز زندانیان ده ای از زندانیان سیاسی راه سلول های انفرادی بودند و صدای راه که مینه به مینه شنیده می شد. گاه فرستاده ها را مجبور کردند و جیره نان و آب را از غذای ده بند اقطع کردند. از آن به بعد بلخین چندین بار به بهانه های مختلفی به زندانیان حمله کرده. آخرین خبری که دریافت کردیم در حالی از آن است که روز شنبه سوم اردیبهشت ماه از ملاقات خانواده ها با زندانیان جلوگیری شد و به دلایل با بانوم و هداقت زندانیان هم از ملاقات خانواده ها منع شد. ملاقات آمده بودند و هم عده زیادی از زندانیان سیاسی را مجروح کرد. گفته می شود که در این روز از بند زندان قصر به پیش از ده نفر زندانی را که به شدت مجروح بودند به کعبه فرستادند.

رفتار رژیم با زندانیان سیاسی به معنای کامل کلمه وحشیانه غیر انسانی و جنایتکارانه است. سران در زندانیان سیاسی را همواره به چشم گروگان می نگرند و جبارانه از حوادث خارج از زندان و مبارزات مردان زندان می شنوند و چشم خود را به روی زندانیان خالی می کنند.

ماه این رفتار جنایتکارانه شدیدا اعتراضی می کشید و همه کسانی که در این واقعات زندانی ایران را در اختیار افکار عمومی مردم جهان قرار می دادند.

۱۳- زنان زندانی زیر فشار و دشمنان زندانیان قرار دارند

از زندان سیاسی قصر خبری رسیده که نه تنها مردان زندانی بلکه به ویژه زنان زندانی به شدت تحت فشار غیر انسانی و دشمنانه زندانیان قرار دارند. در این زندان بیش از ۱۲۰ تن مبارز زندانی اند. نظم زندانیان نهایت خشن و غیر قابل تحمل است. زندانیان از برخورد اجتماع زندانیان به گرمی و بهت و صحبت با آنان جلوگیری می کنند. در این زندان از چندی پیش حتی کتاب خواندن نیز ممنوع شده و به این ترتیب که به جهت زندانیان همه کتاب های موجود در دست زندانیان راه بهانه بررسی گرفت و سپس پس نداد. حتی دستور زبان فارسی و کتاب آموزش زبان انگلیسی و نتایج آن هم به زندانیان داده نمی شود. هرگونه اعتراضات زنان مبارز بابت این موضوع مورد توجه نمی شود و به کار به قبیله بدنی و زندان انفرادی می کنند. چند ماه پیش جلا دان شاه در یک هجوم به زندان زنان زندانی را با بانوم و لذت به شدت تکیه زدند و هنوز هم آنان را به تکرار این نوع جنایات تهدید می کنند. در چنین شرایط دشوار و غیر قابل تحمل تندرستی زنان زندانی به شدت به خطر افتاده و آنان از نظر جسمی تحلیل می روند.

۱۴- شکرانه پاکتواد را به زنجیر شکنجه گاه بردند

خبر می رسد که شکرانه پاکتواد را که قبل از زندان ۶ زندانیان قهر بوده در اواسط مرداد ماه به زندان این کسبه از شکنجه گاه های سازمان امنیت است بردند و به احتمال قوی وی زیر شکنجه است. برای وارد ساختن فشار سرا و برادر و خواهر بزرگوار هم دستگیر کردند. این خبر حاکمی از ادامه اعمال و دشمنانه ای اسکندری شاه در مورد زندانیان سیاسی انجام می دهند. رژیم که اصرار خود را با بعد از بیست سال زندانی بودن در محبوسه تابستان اصل به بد آبی و نجاتی نقاط جنوب و زندان شای تحمل ناپذیر آنجا فرستاده هر زنی که زندانیان سیاسی را حتی بعد از صدور حکم شکنجه می دهند و اینک شکرانه پاکتواد را به زنجیر می کشند است. خطری جدی جان این مبارز زندانی را تهدید می کند. رفیق شهید ما پرویز حکمت را به مدت از بیش از هشت سال دوباره به شکنجه گاه کعبه بردند و در آنجا او را کشتند. حال رژیم بر این است که از زندانیان سیاسی دستخوار بگیرند و به زندان راه توهین و اذیت کنند. همین شکرانه پاکتواد است که شاه در یکی از صاحبان این با مشورین خارجی گفت ما می توانیم او را در گوشه زندان تا آخر عمرش شکنجه کنیم به هم بدین آن که کسی با خبر شود. ولی علی رغم بند او همه کس از جنایاتش با خبر می شود و این هم وظیفه همه کس در همه جا با همه وسایل است که از جان این مبارز و همه زندانیان سیاسی دفاع کند و دست جلا دراز باز دارد.

۱۵- ۱۶ هزار کارگر نفت آبادان دستگیر و پاره پاره شدند

بیش از چهار ماه است که ۱۶ تن از کارگران نفت آبادان دستگیر و پاره پاره شده اند. حادثه زمانی آغاز شد که کارگران در خوردن نمان دستگیر شدند. اعتصاب کابلا قانونی برای افزایش دستمزدها و دفاع از حقوق کارگران بود. به دنبال این اعتصاب رشب ۲۵ خود ادمان ماموران ساواک آبادان نیمه شبه منازل ۱۶ نفر از نمایندگان و جیره های بانفوذ کارگران ریختند و آن ها را دستگیر کرده به محله خشنی بازگرداندند. از آن روز خانواده ها از سر درستان خشن خبر درستی دریافت نکردند. گفته می شود که کارگران دستگیر شده را تبعید کرد و مانند دامان محلی تبعید معلوم است و نه نامی از تبعید شدگان می رسد.

۱۶- از سر نوشت ۶ تن از کارگران دستگیر شده

چیت سازی یعنی خبری در دست نیست

بعد از اعتصاب زند کارگران چیت سازی ۶ نفر از آن ها را دستگیر کرد و مانند از سر نوشت آن ها هیچ خبری نیست و

اگر کارگری سه روز غیبت غیرموجه داشته باشد اخراج شده
ظرفی می شود بعد از سه روز از نو برای آن ها کارت و
دفترچه کار صادر می کنند و به این ترتیب از همه شدن کارگران
که طبق قانون بعد از سه ماه کاره اوم الزامی است جلوگیری
می کنند و کارگران از تمام مزایایی که در قانون کار برای همه شدگان
در نظر گرفته شده محرومی مانند .

۱۶- احتساب دانشجویان آموزشگاه عالی
پرستاری شرکت نفت آبادان

در نیمه اول شهریور ماه گذشته دانشجوین آموزشگاه
عالی پرستاری شرکت نفت آبادان برای اعتراض به شرایط
نا مساعدی که برایشان مرکز آموزشی حکم است ، به مدت دو
روز دست به اعتصاب زدند . اعتصاب به عنوان اعتراض به
بدی غذا آغاز شد و سپس به شکل اعتراض نسبت به بسیاری
از نارسایی ها و کمبودها در دانشگاه درآمد . اعتصاب
و تحریم دروسه غذای دانشگاه موجب پیروزی دانشجویان
و گردن نهادن مسئولان به خواست های حق آن ها شد .

۲۰- در جریان برگزاری کنکور اسال دانشگاه ها مساوا
در بسیاری از شهرها جوانان داوطلبی را که احتمال میداد
در صورت ورود به دانشگاه ها در آینده به فعالیت های
مخالف رژیم بپردازند ، چند روز قبل از برگزاری کنکور دستگیر
کرد و چند روز بعد از آن آزاد نمودن امکان شرکت در کنکور
راند داشته باشند . دستگیر شدگان سخت تحت فشار قرار
گرفتند تا همکاری ها مساوا را بپذیرند . مساوا در صورت
این همکاری به آن ها وعده می داد که نه تنها آزادشان
می کند تا در کنکور شرکت کنند ، بلکه به صورت نامشان را
در فهرست قبول شدگان وارد می کند . به این ترتیب مساوا
در راه در مقابل این جوانان قرار داد : یا همکاری مساوا
و در نتیجه ورود به دانشگاه ، یعنی خیانت به مردم برای
رسیدن به آبیون ها عزیمت به سر بازخانه ها و تبدیل
شدن به گوشت دم توپ برای مقاصد پلید امپریالیست و تجار
شاهنشاهی . اما بی شک همه این فشارها و محرومیت ها
جوانان را بیش از پیش به مبارزه اصولی پیگیر و راضی
شد امپریالیستی و ضد ارتجاعی خلق سوق خواهد داد .

۲۱- علی افرح درویشیان به ۱۱ سال زندان
محکوم شده است

علی افرح درویشیان نویسنده پرده در مصلحت که چند
پیش دستگیر شده بود به ۱۱ سال زندان محکوم شده است . جرم
این نویسنده این است که جامعه ایران را آن طوری که واقع
است ترسیم می کند و به زندگی توده مردم ایران و دردهای
آنان توجه دارد . به عبارت دیگر جرم این نویسنده این است
که نویسنده است و نه تهیه کننده آگهی تجارتنی برای پنهان

این خطر وجود دارد که آن را زیر شکنجه بمانند . مساوی
ها به نزدیکان آن ها گفتند در باره این مطلب چیزی به
کسی نگویند . بعد از احتساب های اخراج کردند تا حدی
که کارخانه مجبور شده به جای سه شیفت (سه نوبت) و
کار خود را در دو شیفت انجام دهد . ولی این رفتار و شی
سازمان امنیت شاه ناشی در رویه کارگران و حق طلبی
آنان نه داشته و برعکس آن ها به با نیت رژیم بیشتر
شده است .

۱۷- احتساب کارگران کارخانه الکتریکی رشت

کارگران این کارخانه حدود سه ماه پیش احتساب یکبار
و راجعانه او را برپا کردند . شرایط کار در این کارخانه
بسیار طاقت فرسا است ، به ویژه که کارگران نه تنها باید
فشار سنگین کار را تحمل کنند و به شدت استثمار شوند ،
بلکه رفتار ظالمانه و غیر انسانی مدیر عامل و مسئولان کارخانه
که با ترفتن جنون آمیز و اشرافی به کارگران می نگرند و از تحقیر
و توهین و حتی کتک زدن کارگران به شیوه قریب وسطایی
آبایی ندارند ، نیز کار را به استخراجشان رسانده است .
در این در خواست های کارگران احتسابی اضافه دستمز
فرار است . آن ها پس از آن که طرح مکرر خواست هایشان
بی نتیجه ماند ، دست از کار کشیدند و سرانجام کار فرما را
مجبور کردند به خواست هایشان تن در دهند و در
دستمزدها تجدید نظر کنند . اینست این پیروزی به ویژه
در آن است که کارگران با تجربه خویش به نیروی شگرفی که
در اقدام جمعی آن ها علیه شرایط غیر انسانی کار و برای
تأمین خواست هایشان نهفت است بیش از پیش پی بردند .

۱۸- ونج کارگران مجتمع صنعتی قزوین

در مجتمع صنعتی قزوین که تقریباً نزدیک به پنج هزار
کارگر دارد ، یکی از شدید ترین درجات بهره کشی و یکی از
خشن ترین روش های نقض حقوق قانونی کارگران اعمال
می شود . کارگران که اغلب به روستاهای اطراف تعلق
دارند از همه مزایای قانونی محرومانند و در ازای دستمز
ناچیز ۱۴ تا ۲۰ تومان باید از نام تا شام به کاری
طاقت فرسا مشغول باشند و تازه شب را هم به گله های
روستایی خود برگردند چه در قزوین نیز گویا خانه آن قدر
بالا است (مثلاً برای یک آپارتمان ۲ اتاق حدوداً ۵ هزار
تومان در ماه) که حتی کارمندان و ارتشیان جزو نیز قباد
به پرداخت آن نیستند چه رسد به کارگران . سرور و نه
انویس جوانان و مردان تادریه کار روستا را برای کار در
کارخانه های شهر صنعتی قزوین جمع می کنند و غروب آن ها
را به روستا می نشان برمی آورند . اما کارخانه داران از این
وضع استفاده کرده بعد از هر نود روز کار انویس را تا سه
روز به دنبال کارگزارانی فرستند و از آن جا که طبق قانون کار

کردن و اتمیت و رنگ آمیزی و هم موجود .
 در ایران امروز زیر سایه خصوص رژیم وطن فروش و ناسد و فاشیستی محمد رضا شاه تنها کسانی حق دارند قلم روی گلفد بگذرانند که وجدان انسانی خود را زیر پا نهاده باشند و بجای بیان واقعیت زندگی مردم و در نظر گرفتن صحت تکامل جامعه ایرانی با تبلیغات دروغین و زشت آگین خویش جنایات ساواک را تکمیل کنند و در فریب خود بها بکشند . اما با کمال سربلندی باید گفت که هنوز هیچ نویسنده شریف و بر قدرتی ایرانی هیچ صاحب قلمی که بتواند او را نویسنده نامید خود را نرفته و در خدمت رژیم قرار نگرفته است . روشنفکران و نویسندگان شریف ایرانی در صفت نطق و علیه استبداد و کور دلی محمد رضا شاهی میززد ولو آن کار به زندان و رفتار غیر انسانی - بکشند . علی درویشیان یکی از آنان است که به ۱۱ سال زندان محکوم شده ، ولی بدون تردید چنین مدتی را در زندان نخواهد ماند .

۲۲- حسین احمد پسر سیرانصر
 آخرین نام در فهرست خرفه ان در بند

دستبرد های رژیم ضد فرهنگی شاه به جامعه معرفی و ادبی ما بازداشت و شکنجه و زندانی کردن خرفه ان نویسنده گانی کفر و خلیق را برگزید هاند هر روز اینها گسترده تر می یابد و فهرست طولانی این قهرمانان در بند گزیده و خرافات این سربزیرا طولانی تر میزند . آخرین نام در این فهرست حسین احمد پسر سیرانصر خرم سرشناس و پیشرو است که حدود ۵ و ۶ ماه است که در جنگال در زندان گرفتار شده . رژیم سر نیزه و خفا با شعر و ادب و فرهنگ بها و ترقی سر سازگاری ندارد و همه طولی های دست آموز و هنر های ظدی نیاز دارد که جبهه تره و جنگال خون آلود شر را با تبلیغات دروغین و هنر روسپی عشق و خود فروتر بزرگ کند . هم اکنون نگاهندگان بارز فرنگه و هنر طی و پیشرو در زندانها به سر میبرند . سعید سلطانپور ، شایرو کاکردان مردمی تأثیر محمود دولت آبادی و نویسنده پیشرو ناصر رحمانی نژاد ، کارگردان منتقد و بازیگر تأثیر محسن یلفانی ، نویسنده جهانگیر تاتر علی اشرف درویشیان ، نویسنده زحمتکشان ، اصینی شاعر جوان و بر توری که بانا ارام شهرت دارد و اکنون شش سال است که در بند است و فریدون شایان ، نویسنده و مترجم پیشرو و . . . در اسارتگاه انباشته ای به سر میبرند . و نویسندگان و معتمدان و شاعران نای نایر - فلا محسن سلطانی ، اعتماد زاده (به آیین) ، شوکت کلبهری فریدون تنکابنی ، علی شویخی ، شوهر روزا خانی ، محمد رحمانی نعمت میرزاده (م . آرم) ، عالیه کرگین (عالیه صورتی) - عصر شهید توده ای ، خسرو گلبرگی ، علی انبیرایی (محتق و استاد دانشگاه) ، در چهارمغنی ، شهید نوایی ، رحیم رفیعیان ، علی اکبر اکبری ، علی کاتبی و . . . طعم زندان و شلاق و سر نیزه را - تبعید این رژیم ضد فرهنگی را چشیده اند . و نیز عده دیگری از

سرشناسان ادب و هنرمند و با اطمینان اعلام شده و از هر گونه فعالیت ادبی و فرهنگی محروم گردید هاند و بودن نام آنها در هیچ یک از روزنامه ها و نشریات مجاز جایز نیست . اساس برش از این عده چنین است : اسماعیل خوبی ، سیاوش کسرای ، سیروس - طابعیاز ، احمد اشرف ، داریوش آشوری ، محمد علی صابو ، حمید حداد ، نعمت میرزاده ، محمد رضا باطنی ، ناصر یکارم ، شیرازی ، سعید حسن مدنی ، احمد علی خاوندی . . . و نیز - باید از ناظره نایینک شهیدان غرضی چون صمد بهرنگی و خسرو گلبرگی یاد کنیم که جلا در مرکز نخواهد توانست خرفه ان را از دست نمای خود بزداید .

۲۳- انتصاب کارگران کارخانه پلوسازی فرح آباد تهران

در ۲۱ تیرماه سال جاری در کارخانه پلوسازی فرح آباد - تهران اختصای روی داد . بلافاصله پلیس کارخانه را محاصره کرد . هم از خروج کارگران از کارخانه جلوگیری کردند و هم از دادن غذا از خارج به کارگران . مردم و خانواده های - کارگران از روی دیوار برای کارگران غذا پرتاب میکردند .

۲۴- انتصاب کارگران واحد کف و صنعت پات آباد عنان

در ۲۹ اردیبهشت سال جاری در پات آباد عنان انتصاب روی داد . در این انتصاب به قرار زیر است : یکی از کارگران به وسیله مهندس قربانی کتک میخورد و کارگران به عنوان اعتراض - دست به انتصاب میزنند . تعداد آنها در حدود ۳۰۰ نفر - بود هاست . در حد ۲۰۰ نفر از نگهبانان کارکنان دیگری آنها طعن شدند . در این میان کارگران به وضع دستبند خود نیز اعتراض میکنند . کارگران بهل بدوش و کلنگ بدست بطرف - دست جمعی بطرف دادگاه حرکت میکنند و جلوی دادگاه - اجتماع آنها به وسیله مهران متفرق میشود . آنها سپس جلوی پاستگاه ژاندارمری اجتماع میکنند . از آنجا هم بوسیله ژاندارمری رانده میشوند . کارگران سپس بطرف شهرداری میروند . از شهرداری هم پاسخ ضعیف میشوند . بعد بطرف : آگراه ، خانه - میروند که مقامات بالا تلگراف میزنند . در تلگراف : خانه از - دریافت تلگراف آنها سر باز میزنند و از آنجا هم رانده میشوند سرانجام سه چهار نفر از ارکان توسط ساواک دستگیر و تعداد از کار اخراج میشوند و به بقیه صد تومان امانت دستبند میدهند . در جریان انتصاب معاون کشت و صنعت به چند نفر از کارگران مراجعه کرده ، میگوید : " بحالت نمی گفتم دست از کار میکشید و این وضع را پیش می آورید . " یکی از کارگران جواب میدهد : " آقای معاون ، ما نان را کیلویی دو تومان ، گوشت را کیلویی ۲۰ تومان ، سبب زمینی را کیلویی شش تومان و بیازار کیلویی شش - تومان میخریم و روزی ۲ تومان مزد میگیریم " و در این موقع نان خشکیده های ز جیبش در میآورد و به مهندس نشان میدهد و میگوید " این خالی را خودمان میخوریم و به زن و بچه نمایان

میدهم و خجالت نمی کشیم ، اما اگر به دستمزد ما اعتراض بکنیم باید خجالت بکشیم ؟ تو خجالت بکش که بابت کارمندی هزار تومان بگیری ؟

۲۵- انتصاب کارگران کارخانه علاءالدین

کارگران کارخانه علاءالدین از ۲۷ مرداد گذشته دست به انتصاب پیکارچه و ضایع زدند که تمام فشارهای غیرانسانی مأموران و افسران را بر سر خود نتوانست آن را بر سر م. شکند و در عزم کارگران خللی وارد کند .

در کارخانه علاءالدین انواع سوارو بخاری و نظایر آنها تولید میشود . کارگران مجبورند روزانه ۱۲ ساعت کار را بکنند و در آنجا کار می کنند . اما به اجباری است و در ازای آن مبلغ ناچیز دستمزد می گیرند .

خواست کارگران انتصابی اضافه دستمزد بود و نیز آنها طلب میکردند که اضافه کاری نه اجباری بلکه اختیاری باشد و ضمایم با آن اضافه دستمزد پرداخت شود . هنوز چند روزی از انتصاب نگذشته بود که سرور که ژاندارمها می دادند . آنان کارخانه را محاصره کردند ، اما کارگران با موشمارتی نظم منظمی مخصوص را حفظ کردند و چنان رفتار کردند ، بهانه می دادند دست نه دهند سرانجام مأموران ساواک مدخلت کردند و مدعی از کارگران -

ضبطه نماینده آنها را باور داشت کرده با خود بردند . اما حتی این تشبیه و تشبیه نیز نتوانست درم را راضی نگذارد و او را مبارزه تا حصول خواسته های خود در تمام شکست .

خواست را هم به خواسته های پیشین خود افزودند و در نهایت با زور شده ما را آزاد کنید !

از نتیجه مبارزه این کارگران هنوز اطلاعی نداریم .

۲۶- بازیم نمونه ای از سودجویی های خاندان پهلوی

شوکت حمل و نقل ایران تا آنکه که متعلق به غلامرضا پهلوی برادر شاه است از امکانات بسیار وسیعی برخوردار است . بخش مهمی از حمل و نقل کالا های دولتی با تریه سننن به این شرکت واگذار میشود و شرکت های کوچک حمل و نقل در بنادر جنوب در زیر فشار این شرکت متعلق به غلامرضا پهلوی در شرف ورشکستگی -

هستند . غلامرضا پهلوی تمام کابو نه های شرکت ایران تا آنکه با استفاده از معافیت گمرکی وارد کرده و البته از پرداخت عوارض مالیات و عوارضی نیز معاف است . بخش مهمی از حمل و نقل - بارهای ارتش نیز با کرایه استثنایی به شرکت ایران تانکر واگذار میشود . چنانکه میدیدید غلامرضا پهلوی در همین حال با زبانی

شاه در ارتش است تا به اصلاح جلوی زدی و فساد را بندد .

۲۷- سبیل گشتی های حامل اسلحه در بندر شامپور

بندر شامپور به یک بندر نظامی تبدیل شد . مامت کسانی که از این بندر باز میزورند نقل میکنند که کالاهای بسیاری از بازرگانان درون گشتی روی آبهای خلیج فارس سرگردان است . اسلحه های بندر شامپور آنها را تخلیه میکنند زیرا به آنها دستور داده شده است که قبل از حرکت باید گشتیها حامل سلاح های خریداری شده از آمریکا و دیگر کشورهای سرمایه داری تخلیه شود . حرکتی نظامی وقتی از راه می رسد بدین رعایت نوبت وارد اسلحه میشود و صغولان اسلحه ها عسکری افراد ارتش گشتی را تخلیه میکنند و به پادگان ها منتقل می نمایند .

در این بندر از اولین ساعات روز بازرگانان در محوطه گمرک بندر اسلحه ها جمع میشوند ولی تمام تلاش و حتی -

التماس آنها برای تخلیه بار بی جواب میماند . تاکنون محتوبات بسیاری از گشتی ها که ما محتاج خوراکی مردم بوده خراب شده است . فعلا باید توجه داشت که هر روز دستهای گشتی از کشور -

های دیگر کالا های را که دولت خرید کرده است وارد میکنند و بسیاری از آنها در -

شبه نشین های خلیج فارس میمانند و حتی برخی از آنها در - خود باز میگردند .

۲۸- انتصاب کارگران نیشکر هفت تبه

کارگران کارخانه نیشکر هفت تبه برای افزایش دستمزد های خود که به نفع وجه با شرایط معیشتی گشتی تقاضا نیست - دست به انتصاب زدند . در این کارخانه دو گروه کارگر کلر میباشند یکی کارگران دائمی و دیگری دوام کارگران فصلی که بیشتر کرد و لر هستند . در انتصاب کارگران کارخانه نیشکر

هفت تبه که در دستمزد کارکن فصل پرداخت محصول نیشکر انجام گرفت ، کارگران دائمی فنی شرکت داشتند . آنها جدا به کارفرمایان دولتی خود اصرار کردند که تا به خواسته های آنها توجه نمیشود به سرکارهای خود باز نخواهند گفت . تلاش

مصلوبین برای فریب کارگران و به تمهیدی انداختن مردم تحلی خواسته های آنها به نتیجه نرسید . کارفرما سرانجام - برای در عزم شکستن انتصاب دست به کار زد بلکه بی سابقه ای

زد با این معنی که با عوامی های سی - ۱۳۰ که یک عوامی های با بری ارتش است ، از پاکستان گروهی کارگر که در کارخانه نیشکر دارای تجربیاتی هستند وارد کرد ، این عمل خشم کارگران را که به خاطر شک های گرسنه خود و خانواده هایشان

بقیه در صفحه ۱

پیش بسوی تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری